

فصلنامه خط اول

رهیافت انقلاب اسلامی

سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۸

صفحه ۳۹ تا ۵۶

شبکه‌های موثر انقلابی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در اردبیل با تاکید بر نقش روحانیون

دکتر زاهد غفاری هاشجین، استاد یار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

دکتر عباس کشاورز شکری، استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

نسیم باغ پرور، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

چکیده:

انقلاب اسلامی ایران دارای خاستگاه مذهبی است و در آن مذهب تشیع به‌عنوان ایدئولوژی انقلاب، نقش اساسی در بسیج مردم برای شرکت در مبارزات انقلابی داشته است. در این راستا اعتقاد و وابستگی شدید مردم به مذهب تشیع باعث حمایت قاطع مردم از رهبران دینی خود شده است. این مسئله مختص به شهرهای بزرگ و مرکزی انقلاب نبود و بسیاری از شهرهایی که در آنها انگیزه‌های مذهبی بالا بود، در انقلاب اسلامی نیز حضور فعالی داشتند. از جمله این شهرها می‌توان به شهر اردبیل اشاره نمود. اردبیل به‌عنوان خاستگاه صفویه، نقش مهمی در رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع و یکپارچگی ایران اسلامی داشته است. به دلیل چنین اهمیت تاریخی، این شهر جایگاه خاصی در دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی به خود اختصاص داده است. در این دوران شهر اردبیل نیز از طریق کانال‌ها و شبکه‌های خاصی به جریان عظیم انقلاب اسلامی پیوست و مردم آن شهر در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ با شرکت فعال در راهپیمایی‌ها، تظاهرات و سایر مراسم و مبارزات انقلابی به نوبه خود، نقش به‌سزایی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفاء کردند. در این مقاله با هدف دستیابی به آگاهی‌های علمی مربوط به جایگاه و نقش شهر اردبیل در روند انقلاب اسلامی، سعی شده است، ضمن بررسی چگونگی شکل‌گیری و وقوع انقلاب اسلامی در این شهر، در چهارچوب نظریه پخش‌هاگراسترنند به مطالعه راه‌های نفوذ و انتقال جریان‌ها و امواج انقلابی به شهر اردبیل، پرداخته شود.

کلیدواژه: اردبیل، انقلاب اسلامی، شبکه‌های انقلابی، حوزه، دانشگاه، بازار، روحانیون،

مسجد

مقدمه

اردبیل در تاریخ ایران به ویژه در پنج قرن اخیر و اعلان رسمیت تشیع در ایران، از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است. در زمان صفویه زمینه‌ها و مقدماتی فراهم شد تا بین هویت ایرانی- آذری و مذهب تشیع تلفیقی موزون و جدا ناشدنی به وجود آید که شکل بارز و آشکار آن را در عشق و ارادت مردم این خطه به ساحت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) می‌توان یافت. با توجه به این ویژگی مذهبی بودن شهر اردبیل، در مقاله حاضر برانیم، تا در پاسخ به این سؤال که شبکه‌هایی چون حوزه، دانشگاه و بازار چه نقشی در گسترش انقلاب اسلامی در شهر اردبیل داشتند؟ به بررسی نقش این سه پایگاه مهم نشر عقاید انقلابی در شهر اردبیل بپردازیم تا بهتر بتوانیم فرضیه این مقاله را مبنی بر این که روحانیون اردبیل نقش به‌سزایی در پیوند مردم این شهر در پیوستن به جریان‌های اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در این شهر داشته‌اند، را مورد ارزیابی قرار دهیم و به نحوه انتقال اندیشه‌ها و سرایت و گسترش جریان‌های انقلاب اسلامی به این شهر در چهارچوب نظریه پخش هاگراسترنند بپردازیم.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله مبتنی بر نظریه پخش است که در سال ۱۹۵۳ میلادی از سوی هاگراسترنند، جغرافی‌دان سوئدی، ابداع و عرضه شد. وی و همکارانش با بکارگیری این نظریه در مورد گسترش نوآوری پدیده‌های کشاورزی به یافته‌های ارزشمندی دست یافتند. بعدها این نظریه چگونگی اشاعه و بای‌التور در سال‌های گوناگون در مناطق هند، آفریقای مرکزی، خاورمیانه، شوروی سابق، اروپا و علل همه‌جاگیری یا توقف آن در برخی از نواحی را توضیح داد. هر چند نقطه آغاز کاربرد این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود اما کاربرد آن به سایر عرصه‌های فرهنگی نیز تسری یافت. در مجموع، این نظریه گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند. هاگراسترنند در نظریه خود چند نوع پخش را تشخیص داده است:

۱- پخش جابجایی: پخش، گونه‌ای نوآوری یا عنصری از فرهنگ می‌باشد که لازمه آن انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. این پخش، زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای ایده‌ای مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جا به جایی، اشاعه یافتند.

۲- پخش سلسله مراتبی: در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی نظم دسته‌ها و طبقات، انتقال و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به

فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش پیدا می کند.

۳- پخش سرایتی یا واگیردار: این پخش در مقابل پخش سلسله مراتبی است. در این نوع پخش گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد مانند اشاعه بیماری‌های مسری (برای نمونه بیماری‌های واگیردار مانند سرخک، از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود). از آنجا که در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود لذا این فرایند به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد از این رو، افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند. پخش سلسله مراتبی و سرایتی، از انواع پخش‌هایی هستند که دارای سرعت انتشار بالایی‌اند. در این نوع پخش‌ها، این افکار، اندیشه‌ها و مفاهیم‌اند که از سرزمین میزبان به سرزمین میهمان و جدید هجرت می‌کنند، و چون هجرت فیزیکی نیز، دارای سرعت انتشار بالایی است، به همین خاطر بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله مراتبی است، زیرا با پذیرش نوآوری از سوی فرد مهم، پدیده به سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود.

ها گراسترند عوامل پخش را در شش دسته به شرح زیر خصوص مطرح می‌کند:

۱- حوزه یا محیط جغرافیایی، این محیط می‌تواند محیط پذیرا- همگرا یا محیط نا پذیرا- واگرا باشند.

۲- زمان، عاملی است که می‌تواند به صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یک دیگر و متوالی در نظر گرفته شود.

۳- سومین عامل، موضوع پخش است. موضوع پخش ممکن است امراض واگیردار، نوآوری‌های کشاورزی و تکنولوژیک، موضوعات فرهنگی و یا پدیده‌های فیزیکی- فرهنگی نظیر مبارزات انقلابی و چریکی دهقانان روسیه، انقلابیون کوبا و جنگجویان ویتنامی باشد.

۴- مبدأ پخش، مکان‌های است که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیام‌ها و ارزش‌ها هستند.

۵- مقصد پخش، مکان‌هایی که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به آنها می‌رسد.

۶- مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد، فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی- اقتصادی مسئله‌ای مهم در ارتباط پدیده‌ها می‌باشد.

ها گراسترند در ادامه نظریه خویش به عوامل کاهش دهنده پخش می‌پردازند و عواملی را که موجب تقلیل در سرعت و روند گسترش پخش می‌گردند، به شرح زیر می‌شمارند:

۱- مسافت: اگر سنگی را به درون استخری بیاندازیم و پخش امواج آن را نظاره کنیم، خواهیم دید که دوایر با دور شدن از نقطه اثر، به تدریج ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند. به

همین قیاس، میزان پذیرش نوآوری‌های فرهنگی نیز با افزایش مسافت کاهش می‌یابد.

۲- زمان: گذشت زمان نیز در این راستا، عامل مهمی تلقی می‌شود. انتشار و پخش نوآوری در نقطه دورتر، مستلزم صرف زمان بیشتری است، چرا که تعداد پذیرندگان با افزایش مسافت کاهش می‌یابد بنابراین، میزان پذیرش نیز با افزایش زمان با کاهش مواجه می‌شود.

۳- موانع تراوش: علاوه بر ضعف و کاهش طبیعی ابداعات و نوآوری‌ها به دلیل افزایش زمان و مسافت، سدها و موانع نیز موجب توقف یا کند شدن روند پخش نوآوری گردیده یا پیشرفت‌های بعدی را متوقف می‌سازند.^۲

مختصری از موقعیت اجتماعی و تاریخی شهر اردبیل

اردبیل (به فتح یا کسردال) «اردویل»،^۳ «پیروزرام»،^۴ «آذربهن»^۵ و «اندآباد»^۶ در منابع ارمنی «ارتغیت» یا «اردویت» یا «اردوید»، نام یکی از شهرهای کهن ایران در شرق آذربایجان است که به نام‌های «باذان پیروز» یا «باذان فیروز»^۷ «فیروز آباد» یا «فیروز گرد»^۸، «اربابا»^۹، «آردپیل»^{۱۰} و «آرتاویل»^{۱۱} نیز ضبط شده است.

اشتقاق و معنی کلمه اردبیل به درستی معلوم نیست. گاهی آن را به معنی «روح قانون مقدس»^{۱۲} و گاهی ترکیبی از ارد (=درستی، راستی و پاکی) یا ویل (در آخر کلمات به معنی مکان و جایگاه) دانسته‌اند. لیکن قول معروف این است که عده‌ای از مورخان، کلمه‌ی اردبیل را ترکیبی از دو واژه‌ی زرتشتی (آرتا) به معنی مقدس و (ویل) به معنی شهر دانسته و آن را «شهر مقدس»^{۱۳} معنی کرده‌اند. احتمالاً محل تکوین و رشد زرتشت در این شهر بوده است. همچنین در برخی موارد، «ارت» و «ارد» را به صورت‌های دیگری (ازاسی) یعنی فرشته توانگری و پاداش شمرده‌اند.^{۱۴}

اکنون اردبیل مرکز استانی است به همین نام، که از سمت شمال به شهرستان گرمی و دشت حاصلخیز مغان، از شرق به استان گیلان و رشته کوه‌های طالش، از جنوب به شهرستان خلخال و بخشی از شهرستان میانه و از مغرب به شهرستان‌های سراب و مشگین شهر مشرف است. اردبیل در فلاتی دایره مانند، بین دو رشته کوه سبلان و باغرو، که دومی از سلسله جبال البرز است، واقع شده و کوه سبلان در مغرب اردبیل قرار گرفته است و فاصله آن تا شهر حدود ۴۰ کیلومتر می‌باشد. بلندترین قله آن ۴۸۱۱ متر ارتفاع دارد. اهالی اردبیل همواره از این کوه با احترام و تقدس یاد کرده و آن را «سلطان ساوالان» نام نهاده‌اند.^{۱۵}

از لحاظ مذهبی مردم اردبیل تا قرن هشتم هجری، مذهب سنی شافعی داشته‌اند.^{۱۶} ولی در قرن نهم هجری، در زمان خواجه علی (متوفی ۵۸۳۲)، نهضت تشیع در اردبیل بروز کرد و در اواسط این قرن بود که مریدان شیخ صفی به عنوان جهاد مذهبی به کشورهای مجاور

داغستان، چرکسان و گرجستان، حمله می‌بردند و سرانجام همین نهضت تشیع موجب تشکیل دولت صفوی گردید.^{۱۷} طوریکه که اردبیل در زمان سلطان جنید، جد شاه اسماعیل اول، در شمار شهرهای محترم و مقدس شیعیان، مانند: مکه، نجف، کوفه، مشهد و کربلا درآمد.^{۱۸}

اردبیل در مشروطیت ایران سهم بزرگی داشت. با پیشرفت مشروطه خواهی در ایران، اولین انجمن ولایتی اردبیل در سال ۱۳۲۶ه.ق تشکیل گردید. اما با پیش آمدن استبداد صغیر، این قبیل مجامع عموماً بسته و جزو فعالیت‌های زیرزمینی شد. کسانی مثل: ملا امام وردی و مشهدی حسین آخوند زاده و میرزا محسن امامزاده و دیگران کشته شدند و چون محمد علیشاه از سلطنت خلع گردید، جمعی از سران استبداد مثل خادمباشی، مبشر، مؤتمن، مشیرالتجار و غیره، که برای تشکیل انجمن بلدی، به نارین قلعه دعوت شده بودند، در یکی از اتاق‌های آنجا تیرباران شدند.^{۱۹} لیکن دولت روسیه که با خلع محمد علیشاه مخالف بود؛ «رحیم خان»، رئیس طایفه چلبلیا نلو را در قراچه داغ با پول و سلاح مجهز کرد و او رؤسای سی و دو طایفه شاهسونان را که در منطقه وسیع ولایت اردبیل زندگی می‌کردند، با خود همداستان کرده، اردبیل را محاصره نمود و شهر پس از بیست و دو روز مقاومت، در ۲۲ شوال ۱۳۲۷ه.ق سقوط کرد و بی‌رحمانه غارت شد.^{۲۰}

پس از این واقعه، دولت روسیه به بهانه حفظ جان و مال اتباع خود، از طریق بندر آستارا در اردبیل نیرو پیاده کرد و در اندک زمانی این شهر را اشغال نمود. در جنگ بین المللی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م) که دامنه آن به ایران نیز کشیده شد؛ چندی هم سپاهیان عثمانی بدین شهر درآمدند و پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه، جمعی از جوانان کمونیست قفقاز از راه آستارا به اردبیل آمدند. ولی طوایف اطراف، جمعی از آنها را کشته، سلاحشان را به یغما بردند.^{۲۱}

قبل از کودتای ۱۲۹۹ه.ش اردبیل به سبب خودسری عشایر شاهسون، از لحاظ امنیت وضع مساعدی نداشت و بعد از کودتا، دولت مرکزی درصدد تخته قاپو کردن آنها برآمد و سرانجام موفق به سرکوبی و جمع آوری سلاح‌های ایشان گردید و امنیت بدان منطقه بازگشت.^{۲۲} در حادثه، سوم شهریور سال ۱۳۲۰ه.ش، اردبیل به وسیله، سپاه روس اشغال شد و اقامت آنان تا سال ۱۳۲۵ه.ش ادامه یافت.^{۲۳}

در دوران یک ساله حاکمیت فرقه دموکرات بر آذربایجان که از سال ۱۳۲۴ه.ش آغاز شد، اردبیل نیز تحت حکومت آنان قرار داشت. مهم‌ترین حادثه‌ای که در این ایام در اردبیل به وقوع پیوست، اعدام «میر غلام منصوری» بود. او که در روستای «زنگیر» از توابع بخش «گرمی» زندگی می‌کرد و علم مخالفت با فرقه دموکرات برافراشته بود، در سال ۱۳۲۴ه.ش دستگیر و در اردبیل به اعدام و در ۲۱ فروردین همان سال با سه تن دیگر به نام‌های غلام

خان، فرخ خان خامسلو و حسین در جای «نارین قلعه» تیر باران شد.^{۲۴}

اردبیل و انقلاب اسلامی

باتوجه به ویژگی مذهبی و دینی انقلاب اسلامی و نقش کانون‌ها و مکان‌های مذهبی، روحانیت، دانشگاهیان، بازاریان در پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان مبدأ پخش انقلاب اسلامی از شهرهای چون قم، تهران، مشهد و... به سراسر کشور از یک طرف و از طرف دیگر نقش آنها به عنوان مقصد پخش در شهرهای مختلف از طرف دیگر ایجاب می‌نماید در ابتدا شناختی از، روحانیون، و بازاریان فعال انقلابی شهر اردبیل در سالها ۴۲ و ۴۳ بدست آوریم.

روحانیون شهر اردبیل در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳

روحانیت شهر اردبیل به دلیل جایگاهی که روحانیت در فقه شیعه و اعتقادات مردم دارد، ویژگی و روحیه مذهبی مردم شهر و در نهایت به دلیل وجود حوزه با سابقه در شهر، دارای جایگاه بسیار رفیعی در بین مردم بودند، روحانیون مهم آن دوران عبارت بودند از: آیت الله سید یونس اردبیلی، آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید عبدالغنی اردبیلی، آقای بهاء‌الدین علم الهدی (معروف به اوستا)، شیخ محمد مسائلی، آقای بیوک خلیل زاده (معروف به مروج)، شیخ احمد محسنی، میرزا ابوالفضل حلال زاده، اباذر بیدار کورائیمی، میرزا علی مشگینی، عبدالرحیم نژاد سلیم، شیخ رضا نژاد، شیخ محمود عابدی، سید ابوالفضل پراهی.^{۲۵} این روحانیون هر کدام در یکی از مساجد متعدد شهر اردبیل امام جماعت بوده و به منبر می‌رفتند. تا قبل از سال ۱۳۴۲ تفکر غالب بر روحانیت شهر اردبیل مثل سایر نقاط کشور تفکر سنتی بود اما رخدادهایی که در این سال در شهر قم اتفاق افتاد و هتک حرمت روحانیون و حوزه علمیه قم و فعالیت‌هایی که رژیم شاه انجام می‌داد باعث اعتراض بسیاری از مراجع تقلید و روحانیون گردیده و بخش قابل توجهی از آنان را به سمت اقدامات سیاسی و مبارزه با رژیم کشاند؛ قم و تبریز دو شهر پیشگام نهضت اسلامی در روز دوم فروردین ۱۳۴۲ مصادف با سالگرد شهادت امام صادق (ع) شاهد هجوم نیروهای انقلابی به مردم و طلاب در مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز بود. پس از انتشار اخبار وقایع موحش قم و تبریز که رویارویی خشونت‌آمیز حکومت با علما بود در سر تا سر ایران بازتاب وسیعی یافت. علما در اقدامی هماهنگ با ارسال تلگراف‌هایی به مراجع تقلید ضمن ابراز تأسف از وقوع این حادثه تسلیت گفتند. در اردبیل نیز تلگرافی از طرف علمای بزرگ شهر چون آیت الله سید یونس اردبیلی، موسوی اردبیلی، سید غنی اردبیلی، آقای بهاء‌الدین اوستا، آقای مروج به قم مخابره شد.

در عاشورای سال ۱۳۴۲ مردم تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم مبنی بر آزادی امام به راه انداختند. رژیم نیز فردای آن روز در ۱۵ خرداد سال ۴۲ به کشتار مردم پرداخته و اعتراضات را به شدت سرکوب کرد. این اقدام رژیم با مخالفت اکثریت روحانیون و اصناف و احزاب کشور روبرو شد. همه روحانیون با ارسال تلگرافی به قم، این اقدام رژیم را محکوم کردند. که اولین بازتاب این حرکت خونین مردم تهران، قم و ورامین در اردبیل تعطیلی بازار و تحصن روحانیون بزرگ شهر در تلگراف خانه جهت ارسال تلگرافی مبنی بر آزادی امام و محکوم کردن جنایت رژیم بوده است.

هنوز جریان مهاجرت علما در اعتراض به دستگیری امام (ره) خاتمه نیافته بود که دولت زمینه‌های لازم جهت برگزاری انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی و دوره چهارم مجلس سنا را با هیاهوی بسیار فراهم می‌ساخت. در این شرایط حرکت مخالفت‌آمیز دیگری به رهبری علما صورت گرفت علمای آذربایجان با ارسال تلگرافی به مراجع تقلید و مجلس نسبت به برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس و سنا اعتراض کردند. متن تلگراف علمای آذربایجان به امضای علمای اردبیل همچون آیت الله سید یونس یونسی اردبیلی، آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله مسایلی، آیت الله سید غنی اردبیلی، آیت الله مروج، آقای لطفعلی محقق، آیت الله بهاء‌الدین (اوستا)، آیت الله ابوالفضل حلال زاده، آقای محمد رضوی و آقای محمود روحانی رسید.^{۲۶}

بازاریان شهر اردبیل در سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳

بازار اردبیل که در سالهای ۴۲ و ۴۳ به دلیل وجود امنیت اقتصادی در آن دوره، رونق زیادی کسب کرده بود، اکثراً از افراد مذهبی تشکیل شده و ارتباط شدیدی بین آنها و روحانیت شهر برقرار بود از جمله بزرگان بازار که از دوره رضا شاه به بعد، در بازار حضور داشتند و معروفیت زیادی داشتند، عبارت بودند از حاج نصرت خزدوز، حاج ممدآیشم، حاج میرجعفر میر مرادی، حاج توکل ملک زاده، حاج غلامرضا ودودی، حاج رسول قبادی، حاج لطیف نباتی، حاج میرزا جواد شهبازی، حاج شیخ محمد صحرا نوردی، حاج ممد ملکی، حاج داوود اجاقی، حاج روح الله وثیقی مقدم، حاج رسول قیطانی، حاج علی نوبخت، حاج عسگر اسلامی، علی اصغر باقری، حاجی التفات اعتباری، منصور منیری و... در کل بسیاری از بازاریان اردبیل از خاندان‌های معروف برخاسته و از سال‌های دور در این شهر ساکن بودند. بازار یک نوع مرکزیت فرهنگی نیز در شهر داشت و افراد زیادی، متأثر از حرکت‌های بازاریان بودند. اما همان‌گونه که اشاره شد بازار نیز مثل دیگر اماکن مذهبی اردبیل دارای تفکر سنتی بود و زیاد در سیاست دخالت نمی‌کرد.^{۲۷}

جریان انتقال عقاید انقلابی

در مورد این که عقاید انقلابی و اندیشه‌های امام(ره) چگونه به شهر اردبیل راه یافتند، باید خاطر نشان کرد که بر طبق چارچوب نظری این تحقیق، سه نوع روش انتقال عقاید و نوآوری‌های سیاسی وجود دارد که با عنوان‌های پخش جابه‌جایی (فیزیکی)، پخش سرایتی و پخش سلسله‌مراتبی آورده شده‌اند. در این قسمت، به بیان چگونگی انتقال عقاید انقلابی به شهر اردبیل، خواهیم پرداخت.

۱- عقیده انقلابی

عقیده انقلابی که از آن صحبت می‌رود همان ایده تشکیل حکومت اسلامی است. سابقه این اندیشه به سال‌های دور و به پیشینه تاریخی اسلام و مذهب تشیع برمی‌گردد. ولی ما به طور تقریبی، ایده تشکیل حکومت اسلامی در دوران معاصر را از اندیشه‌های امام خمینی(ره) و از کتاب «کشف الاسرار» او پی می‌گیریم. امام این کتاب را در سال ۱۳۲۳ در پاسخ به کتاب «اسرار هزار ساله» حکمی زاده نوشته بودند و در آن، درمان بسیاری از مشکلات امروزی را اجرای قوانین شرعی و الهی توسط شاه و حکومت دانسته بودند. امام(ره) در این کتاب بیشتر به رعایت قوانین شرعی و نظارت مجتهدین بر قوانین مجلس مقننه تاکید داشتند ولی اصرار زیاد ایشان بر اجرای قوانین اسلامی را می‌توان پایه‌های تفکری دانست که وقتی مسلم شد شاه و اطرافیان‌شان نمی‌خواهند قوانین اسلامی را اجرا کنند، روی کار آمد و آن تفکر تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام شرع توسط متولیان شرع بود که با سخنرانی‌های پی‌درپی امام(ره) و حمایت مردم در سال ۴۲ به اوج خود رسید و نهضت عظیمی را تشکیل داد که در سال ۵۷ به پیروزی رسید.

۲- راه‌های انتقال عقاید انقلابی

جریان انتقال و پخش این تفکر و نوآوری سیاسی به صورت‌های مختلفی اتفاق افتاد که در سطور ذیل به آنها توجه خواهیم کرد.

۲-۱- انتقال به شیوه جابه‌جایی (فیزیکی)

از جمله مهم‌ترین راه‌های پخش این عقاید را می‌توان، تبلیغات یاران و همفکران و مریدان امام و پخش اعلامیه‌ها و حمایت نهاد مرجعیت و شبکه روحانیت دانست. از جمله مریدان امام(ره) که توانست نقش بزرگی در انتقال عقاید انقلابی به شهر اردبیل و گسترش این عقیده در بین جوانان این شهر داشته باشند. می‌توان به شخصیت‌های بزرگی چون آیت

الله سید یونس یونسی، آیت الله سید عبدالغنی اردبیلی، آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت الله بیوک خلیل زاده (ملقب به مروج)، آیت الله مسائلی، آیت الله ابوالفضل حلال زاده، اشاره نمود که بعد از اتمام تحصیلات حوزوی خود از اوایل دهه سی از قم به اردبیل بازگشتند و بعد از بازگشت طی جلساتی که با یکدیگر تشکیل می‌دادند درباره مسایل سیاسی کشور به بحث و گفتگو می‌پرداختند؛ و با توجه به تصمیماتی که در این جلسات گرفته می‌شد هر یک به نوعی در سخنرانی‌های که داشتند به روشنگری مردم به ویژه جوانان می‌پرداختند، در کنار این تلاش‌ها، رفت و آمدهای بزرگانی چون آیت الله مشکینی (ره)، آیت الله سبحانی، حجت الاسلام قرائی، آقایان خسروشاهی، حقی، گلرخی، بکایی تبریزی، حسن پور که از اوایل دهه چهل به دعوت مرحوم شیخ احمد محسنی مؤسس مسجد اعظم از قم و سایر شهرها به ویژه در ایام ماه مبارک رمضان به این شهر می‌آمدند و در مسجد اعظم به وعظ و خطابه می‌پرداختند نیز در اشاعه عقاید انقلابی به این شهر حائز اهمیت می‌باشد به طوریکه با حضور چنین اشخاصی این مسجد توانست جمعیت زیادی را به خصوص از قشر جوان به خود جذب کند و نسبت به اوضاع و احوال سیاسی کشور آگاهی بخشد و با حضور عالمان و بزرگان دین و مردم تشنه معارف الهی، کم‌کم سایر فعالیت‌ها نیز در کنار مجلس وعظ و سخنرانی در این مسجد آغاز شد که از جمله آنها می‌توان به توزیع مجله‌ای تأثیر گذار «مکتب اسلام» و تکثیر نوارهای سخنرانی بزرگان دین در این مسجد اشاره نمود. همچنین تأسیس کتابخانه که یک کار فرهنگی بزرگی بود، در این مسجد صورت گرفت و با کمک علاقمندان، کتاب‌های خوبی را به جوانان عرضه کرد که خود نقش زیادی در جذب این قشر به مسجد داشت.

آقای هادی غفاری شخصیت دیگری است که از آغازین روزهای سال ۱۳۵۰ برای گذراندن دوران خدمت سربازی به عنوان افسر سپاه دانش به اردبیل اعزام شد بود و نقش تعیین‌کننده‌ای در روشنگری جوانان این شهر درباره فضای سیاسی کشور و وضعیت حکومت و دربار شاه داشته است، به صورتیکه بعد از پرس و جو مسجد اعظم را به خاطر رفت و آمد زیاد جوانان جهت شروع فعالیت‌های مبارزاتی خود مساعد تشخیص می‌دهد و کم‌کم در برخی از جلسات قرآنی این مسجد حضور می‌یابد. بعد از مدتی که مردم متوجه می‌شوند ایشان فرزند آیت الله شیخ حسین غفاری است، به او نزدیک‌تر می‌شوند، او نیز با توجه به تسلطی که به علوم اسلامی داشته، با کمک گرفتن از فضای مناسب مسجد اعظم، جوانان را دور خود جمع کرده و در کنار کلاس آموزش قرآن و نهج البلاغه و برگزاری مراسم و جشن‌های مذهبی شروع به روشنگری درباره فضای سیاسی کشور و وضعیت حکومت و دربار شاه می‌کند و جوانان طالب حقیقت را در این مسجد جمع می‌کند و از دل این جمع‌ها

کانون بچه‌های قرآن مسجد اعظم شروع به فعالیت می‌کند.^{۲۸} در واقع این انتقال و ترویج اندیشه‌های امام (ره) توسط این اشخاص یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال و پخش عقاید انقلابی به شهر اردبیل بود. این طریق را می‌توان، انتقال جابه‌جایی (فیزیکی) اطلاعات و نوآوری‌ها دانست.

۲-۲- انتقال به شیوه سرایتی

در کنار این نوع انتقال، راه‌های دیگری برای انتقال اندیشه‌ها و عقاید انقلابی به شهر اردبیل وجود داشته است که از جمله آنها انتشار اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام بوده است، در رابطه با نشر اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها امام حجه‌السلام آقای اسرافیل زینالی می‌گوید اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام به واسطه اشخاصی که عبارتند از مرحوم میرزا موسی قلی‌زاده، آقای حاج میرزا میکائیل موسوی، میرزا سلمان مظفری، میرزا محمد اسماعیلی، حاج میرزا جوادشهبازی، میرزا اباذر بیدار، میرزا رحیم سلیم نژاد و خود ایشان پخش می‌شده و از جمله راه‌های ارسال اعلامیه‌ها از طریق پست یا از طریق رانندگان معتمد از نجف و قم به این شهر بوده که هنگام ارسال از طریق پست به آقای طالب گرجانی فرستاده می‌شد و ایشان در دسترس اشخاص ذکر شده قرار می‌داد و با پخش اعلامیه‌ها در بین انقلابیون آنها با کم و کیف وضعیت امام و مواضع او قرار می‌گرفتند. این مورد را می‌توان از موارد انتقال سرایتی بر شمرده که نقش مهمی در انتقال عقاید و اندیشه‌های انقلابی به شهرهای مختلف ایفا کرده است.^{۲۹}

۲-۳- انتقال به شیوه سلسله مراتبی

از سایر انواع انتقال و پخش نوآوری‌های سیاسی به نقاط مختلف، انتقال سلسله مراتبی می‌باشد، نکته حائز اهمیت در این نوع انتقال این می‌باشد که مردم تابع نخبگانند و خود مردم تا نخبگان اینان را هدایت نکنند، حرکتی نمی‌کنند؛ نخبگانی که در انقلاب اسلامی می‌توانستند بر مردم تأثیر بگذارند چند شبکه بودند؛ یکی از این شبکه‌ها شبکه بازار بود که در رأس آن بازار تهران بود که پیام انقلاب را دریافت می‌کرد و بنا به طبع بازار که مستلزم ارتباط با شهرهای مختلف است، به راحتی می‌توانست پیام انقلاب را به شهرهای مختلف انتقال دهد که طی مصاحبه‌ای با آقای لطیف نباتی (از بازاریان اردبیل) این نکته برای ما روشن شد که در اردبیل ارتباط شدیدی بین بازاریان این شهر با بازار جامع اسلامی تهران برقرار بوده و از کم و کیف رویدادها و فعالیت‌های روی داده در میان بازاریان تهران اطلاع در دست داشته و به طبع آن واکنش نشان می‌دادند.^{۳۰} شبکه دیگر شبکه دانشگاه بود تأثیرات فضای دانشگاه بر تفکرات دانشجویان به عنوان مکان تبادل افکار و اندیشه و به عنوان محیطی که افراد گوناگون از شهرهای مختلف برای تحصیل در آنجا حضور می‌یافتند دارای رسالت

بزرگ بوده است. از آنجایی که دانشگاه‌ها در آن زمان اکثراً در شهرهای بزرگ تأسیس شده بود، جوانان شهرستانی برای ادامه تحصیل در این دانشگاه‌ها حضور می‌یافتند و با شنیدن افکار شخصیت‌های چون دکتر شریعتی که دانشگاه تهران را تحت تأثیر قرار داده بود و برخی مسائل پشت پرده حکومت رژیم شاه، روحیه انقلابگری و مبارزاتی پیدا می‌کردند و به همین علت جوانانی که در شهر خودشان کوچک‌ترین فعالیت سیاسی علیه رژیم شاه نمی‌کردند، در دانشگاه با دیدن سایر جوانان و فعالیت‌های سیاسی آنها وارد فعالیت سیاسی می‌شدند و عقاید و اندیشه‌های انقلابی را به شهرها می‌رساندند از جمله جوانان دانشجوی انقلابی در اردبیل عبارت بود از شهید علی اصغر مرادی، شهید نورالدین جهانجویی، شهید بخشعلی اعیادی و...^۳ آخرین شبکه، شبکه روحانیت بوده که بطور وسیع در تمام شهرها حضور داشته و با ارتباطی که با حوزه علمی قم برقرار می‌نمودند در جریان اندیشه‌های انقلابی قرار گرفته و آنها را به شهرهای خود انتقال می‌دادند. این سه شبکه، شهرها را در جریان حوادث انقلاب قرار می‌دادند. به این ترتیب می‌بینیم که هر سه نوع راه انتقال که در نظریه پخش به عنوان راه‌های انتقال عقاید و اندیشه‌های سیاسی بیان شده‌اند، در انتقال عقاید مربوط به انقلاب اسلامی به شهر اردبیل دخیل بوده‌اند و نمی‌توان گفت که به طور یقین کدام نوع انتقال بیشتر تأثیر داشتند. اما همان‌گونه که در نظریه پخش، اشاره شد شیوه انتقال سلسله مراتبی، بهترین راه برای انتقال عقاید است. در مورد شهر اردبیل هم، این شیوه یعنی همان انتقال عقاید از طریق شبکه‌های بازار و دانشگاه‌ها و روحانیت، بهترین و مؤثرترین راه‌ها بود هر چند که دیگر انواع انتقال نیز بی‌تأثیر نبودند.

این مسیرهای انتقال و در کنار آن خصوصیت مذهبی شهر اردبیل، باعث می‌شد که حوادثی که در قم اتفاق می‌افتد، مورد توجه اهالی این شهر خصوصاً برخی جوانان تحصیل کرده مذهبی قرار گرفته و بسیاری از آنان به اهداف و آرمان‌های امام (ره) علاقمند گردند.

۳- تشکیل اولین حلقه‌ها و جلسات انقلابی

همانطور که ذکر شد، یکی از اولین عوامل انتقال عقاید انقلابی به شهر اردبیل، بازگشت شخصیت‌های بزرگ دینی چون آیت الله سید عبدالغنی اردبیلی، آیت الله میرزا محمد مسائلی، آیت الله بیوک خلیل زاده (ملقب به مروج)، آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت الله ابوالفضل حلال زاده از اوایل دهه سی به بعد از قم به اردبیل به عنوان افرادی که سال‌های زیادی را در محضر امام خمینی (ره) شاگردی کرده بودند، به طوریکه بعد از بازگشت طی جلساتی که با یکدیگر داشتند گروهی را شکل دادند که نقش مهمی در هدایت و رهبری نهضت در اردبیل ایفا کرد. اسامی اعضای این گروه چنین است: دکتر عبدالرحیم جلائی، حاج

محمد عالم، آیت الله سید غنی اردبیلی، آیت الله محمد مسائلی و آیت الله مروج.

دکتر عبدالرحیم جلائی در رابطه با تشکیل این جلسات می‌گویند:

«من پس از اتمام دوره سربازی به اردبیل مراجعت کردم. مشغول کار پزشکی و طبابت خود شدم که هنوز هم هستم. مرحوم آقای مروج هم از قم به اردبیل بازگشت، شب‌های ماه مبارک پای صحبت ایشان می‌نشستم با توجه به سابقه دوستی که داشتم رشته محبت و مودت بیشتر شد و گروهی شدیم که جلسات منظم هفتگی با هم داشتیم آقای مسائلی بود، آقای سید غنی اردبیلی، حاج محمد عالم، من و آقای مروج این جلسه به صورت هفتگی در منزل هر یک از این آقایان تشکیل می‌شد البته در منزل بنده بیشتر جمع می‌شدیم در این جلسه سیار مسائل شهر مورد بحث و گفتگو قرار می‌گرفت. حتی فکر تحصن در تلگراف خانه هم از این جلسه بود که در خرداد سال ۱۳۴۲ صورت گرفت. با شتاب گرفتن نهضت مسایل سیاسی مبارزاتی هم در این جلسه طرح و بحث می‌شد و تصمیمات لازم گرفته می‌شد. حوادث قم که پیش آمد تشکیل جلسه دادیم که در اردبیل چه کنیم؟ و از کجا شروع کنیم؟»^{۳۲} آقای محمد ملکی که خود از بازاریان و دست‌اندرکاران تشکیل جلسات انقلابی بوده و از نزدیک بعد از فوت آیت الله بروجردی با امام خمینی دیدار داشته؛ در رابطه با تشکیل جلسات و فعالیت‌های انقلابی در دهه چهل خاطر نشان می‌گوید: جلسات دو گونه بودند، اولی، جلسات عمومی بود که در آنها بیشتر به مسائل مذهبی پرداخته می‌شد و در اکثر مساجد شهر برپا بود از جمله در مسجد اعظم، مسجد میرزا علی اکبر، مسجد میر صالح، و جوانان زیادی در آن جلسات شرکت می‌کردند. جلسات دوم، جلسات مخفی بودند و ما از طریق جلسات عمومی جوانان فعال و با استعداد را شناسایی کرده و به جلسات مخفی می‌آوردیم و در آنجا بیشتر به مسائل سیاسی می‌پرداختیم. این جلسات به حدی مخفیانه بود که حتی محل خاصی برای آن در نظر گرفته نمی‌شد و محل آن همیشه نیم ساعت قبل از جلسه به اطلاع دوستان می‌رسید.

اکثر افرادی که در این جلسات شرکت می‌کردند از گروه سنی جوانان و حتی نوجوانان بودند و بیشتر آنها دارای خانواده مذهبی و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی از طبقه متوسط به پایین و حتی از طبقه فقیر جامعه بودند^{۳۳}، تعداد تشکیل جلسات مخفی و سیاسی در اوایل دهه چهل محدود بود و علت محدود بودن آن عدم آگاهی مردم از مسائل سیاسی کشور و کنترل شدید ساواک و ژاندارمری بود، کم‌کم که بر آگاهی مردم افزوده شد بر تعداد افرادی که در این جلسات شرکت می‌کردند نیز افزوده شد و از آنجایی که از جمله بر پا کنندگان این جلسات دو قشر روحانی و بازاری بود، بطوریکه از روحانیون، شخصیت‌های با نفوذی چون آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله مروج، آیت الله مسائلی و... و از طبقه بازاریان، آقایان لطیف نباتی، محمد ملکی، اسدالله وثوقی، منصور منیری، جواد شهبازی و... بودند می‌توان

گفت که این دو طبقه مبانی توسعه اندیشه انقلابی در شهر اردبیل بودند.^{۳۴}

۴- کانونها و مکانهای نشر عقاید انقلابی

در جریان نشر عقاید انقلابی در شهر اردبیل و تشکیل جلساتی در این راستا، انقلابیون مکان‌هایی را به عنوان مرکز نشر این عقاید به کار گرفته و جلسات خود را در آن مکان‌ها برگزار می‌کردند، این که انقلابیون شهر چه مکان‌هایی را برای این کار در نظر می‌گرفتند متأثر بود از ماهیت انقلاب اسلامی و کانونها و شبکه‌هایی که به گسترش عقاید انقلابی می‌پرداختند. انقلاب اسلامی ایران از لحاظ ایدئولوژیک متأثر از آموزه‌های مکتب تشیع بود و شبکه‌هایی که در امر تبلیغ این انقلاب فعال بودند، شبکه‌های روحانیت، بازار و دانشگاه‌ها بودند. پس به طور طبیعی مکان‌هایی که در شهر اردبیل برای تبلیغ عقاید انقلابی در نظر گرفته می‌شدند باید مرتبط با این شبکه‌ها می‌بودند. از جمله آنها می‌توان به مساجد به عنوان تجمع روحانیون و بازاریان و محل عبادت عامه مردم حوزه علمیه و دانشسرا و مدارس شهر که محل دانشجویان انقلابی بودند اشاره کرد.

۴-۱- نقش مساجد در حوادث انقلابی شهر اردبیل

شهر اردبیل به دلیل وجهه مذهبی، دارای مساجد بسیاری بوده که برخی از آنها از لحاظ تاریخی و حتی معماری دارای اهمیت خاصی می‌باشند. یکی از این مساجد که در تاریخ اردبیل به ویژه در اواخر قاجاریه و عصر مشروطیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود مسجد میرزا علی اکبر می‌باشد، در آن عصر مجتهد بزرگ شهر میرزا علی اکبر و در دوران انقلاب اسلامی آیت الله مروج امامت جماعت این مسجد تاریخی را بر عهده داشتند. آیت الله مروج از اوایل سال ۱۳۵۶ به عنوان امام جماعت این مسجد دوره جدید فعالیت‌های خود را شروع کرد. و به‌طور کلی از مساجد شهر اردبیل که به عنوان کانون مهم انقلاب در این شهر بوده است یکی مسجد میرزا علی اکبر بوده و دیگری مسجد جامع میر صالح مرحوم که امامت آن را آیت الله مسائلی بر عهده داشته است.^{۳۵} بررسی تاریخ انقلاب اسلامی در اردبیل بدون بررسی نقش این دو مسجد کامل نخواهد بود به‌طوری که هر کدام از آنها به نوبه خود نقش مهمی در پیشبرد تبلیغات عقاید انقلابی و هماهنگی بین نیروهای انقلابی و همچنین سازماندهی تظاهرات و راهپیمایی‌ها و... ایفا کردند.

۴-۲- نقش حوزه علمیه در حوادث انقلابی شهر اردبیل

حوزه‌های علمیه اردبیل، دارای جایگاه خاصی در این شهر هستند. از دلایل اهمیت

آنها، یکی روحیه مذهبی مردم این شهر و دیگر نقش مهمی که روحانیون این حوزه‌ها در مقابله با طوایف شاهسون از جمله فولادلوها و قوجه بیگلوها و کمونیسم و دیگر ناامنی‌های منطقه در گذشته ایفا کرده بودند می‌باشد. به‌طوریکه این مسئله محبوبیت روحانیون حوزه‌های علمیه را در بین مردم افزایش داده بود. همین عوامل در انقلاب اسلامی نیز سبب شد روحانیون این شهر که اکثراً از مریدان امام خمینی (ره) بودند، علم مخالفت با رژیم منحوس پهلوی را در این شهر بردارند و به تدریج دیگر اقشار شهر را نیز با خود هم صدا کنند و پا به پای دیگر شهرها به مبارزه پردازند. به‌طوریکه بسیاری از روحانیون این حوزه‌ها از جمله آیت الله سید عبدالغنی اردبیلی، آیت الله سید عبدالکریم موسوی، آیت الله مروج، آیت الله مسائلی و... در ارتباط با علمای قم و نجف در جریان اندیشه‌های امام (ره) قرار می‌گرفتند و علی‌رغم نظارت‌های شدید ساواک و ژاندارمری به عنوان راهبران انقلاب، حوزه‌های علمیه را به عنوان مکان‌های برای هدایت حرکت‌های انقلابی در می‌آوردند.

۴-۳- نقش دانشسرا و مدارس در حوادث انقلابی شهر اردبیل

از دیگر اماکنی که در تبلیغ اندیشه‌های انقلابی، از آن استفاده شد، دانشسرای اردبیل بود. که تحت دو شاخه جداگانه به نام‌های دانشسرای مقدماتی و دانشسرای راهنمایی تحصیلی به فعالیت خود ادامه می‌داد؛ افرادی که وارد دانشسرای مقدماتی می‌شدند که دوره سوم راهنمایی را تمام می‌کردند و برای تعلیم و تربیت فنون آموزگاری وارد دانشسرای مقدماتی می‌شدند و بعد از تعلیم از طریق آموزش و پرورش استخدام می‌شدند؛ قدمت دانشسرای مقدماتی به سال ۱۳۱۶ ه. ش برمی‌گشت و ریاست آن با آقای لطیف زاگرزاده از انقلابیون فرهنگی اردبیل بود.

دانشسرای راهنمایی تحصیلی تازه تأسیس بود و سال تأسیس آن در سال ۱۳۵۴ بود و در آن به تربیت جوانان در برخی رشته‌ها در مقطع فوق دیپلم برای دبیری و معلمی در مدارس توجه می‌شد؛ وجود اشخاصی چون آقای اسماعیل خوشنویس، آقای ذاکر حمیدی به عنوان مدرسین دانشگاه و اشخاصی با آگاهی علمی بالا سبب ترویج عقاید انقلابی به دانشسرای راهنمایی تحصیلی شده بود به‌طوری‌که به‌طور مرتب برای دانشجویان در مورد حرکت امام (ره) و نهضت ایشان سخنرانی می‌کردند و دانشجویان مستعد را به عضویت نیروهای انقلابی در می‌آوردند؛ آقای ذاکر حمیدی در این باره خاطر نشان می‌کنند: که هر گونه فعالیت علنی در آن سال‌ها بر اثر کنترل شدید ساواک بسیار مشکل بود به همین سبب با درایت در میان دانشجویان نفوذ می‌کردیم و بعد از آگاهی از وضعیت آنها به فعالیت و سخنرانی می‌پرداختیم به‌طوری‌که در جلساتی که با آقای اسماعیل خوشنویس در محضر حجت الاسلام

سید اصغر نیاری تحت عنوان آموزش زبان عربی داشتیم به مسائل سیاسی می‌پرداختیم و تصمیماتی که در این جلسات در رابطه با فعالیت‌ها و حرکت‌ها گرفته می‌شد به دانشجویان منعکس می‌کردیم و همین عامل سبب کشش بسیاری از دانشجویان به این مسائل می‌شد. از جمله دانشجویان دانشسرای تربیت معلم که به عضویت نیروهای انقلابی در آمدند و در این راه به شهادت رسیدند می‌توان به شهید نور الدین جهانجوی، شهید احمد سامع ملکی و شهید کریم احمدی مقدم اشاره نمود؛ که در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در شهر اردبیل تا لحظه شهادت مردانه به مبارزه پرداختند.

مدارس نیز به عنوان محل تحصیل و تربیت نوجوانان شهر، بسیار مورد توجه انقلابیون بودند. به طوری که بسیاری از انقلابیون که شغلشان معلمی بود در کلاس‌ها به بحث در مورد مذهب و مسائل روز می‌پرداختند تا نسل بعدی شهر را با عقاید انقلابی آشنا کنند. از جمله معلمینی که به تبلیغ در مدارس می‌پرداختند. می‌توان به آقای اصغر علائی، آقای احمد عیسی زاده، آقای ابراهیم روشنی و... اشاره کرد.^{۳۶} این اقدام انقلابیون بسیار به جا بود زیرا بسیاری از جوانان انقلابی که در تظاهرات سال ۵۷ شرکت داشتند و یا بعد از انقلاب در جبهه دیگر تحولات انقلابی به نقش آفرینی پرداختند از کسانی بودند که در مدارس، متأثر از عقاید این انقلابیون رشد یافته بودند. مدارس حتی در برخی مواقع به طور مستقیم به تظاهرات می‌پرداختند. مساجد و حوزه علمی و دانشگاه‌ها همان طور که در محل‌های مبدأ انقلاب به عنوان کانون‌های انقلاب مطرح بودند در مقصد انقلاب شهر اردبیل نیز همان مکان‌ها به عنوان کانون و محلی برای ترویج انقلاب و عقاید و اندیشه‌های انقلابی به کار گرفته شدند.

۵-۴- نقش بازار در حوادث انقلابی اردبیل

بازار به عنوان محل دادوستد مردم مکان مناسبی برای گسترش عقاید انقلابی در کل کشور بود، در شهر اردبیل نیز بازاریان انقلابی که در قسمت قبلی به معرفی آنها پرداختیم تحت رهبری روحانیون انقلابی شهر و بیشتر با پخش اعلامیه در بین کاسبین بازار و مردم به گسترش انتقال عقاید انقلابی در شهر اردبیل کمک نمودند؛ و با توجه به ارتباط دینی و مذهبی میان اصناف تجار و بازاریان شهر اردبیل با رهبران مذهبی (آیت الله مروج و آیت الله مسائلی) نقش مهم‌تری از جهت حمایت‌های مالی در تهیه و انتشار اعلامیه، کمک به خانواده‌های زندانیان انقلابی و... داشتند در این باره آقای لطیف نباتی می‌گوید: در روند انقلاب اسلامی در هر صنفی چند نفر از افراد شاخص و تندرو وجود داشت که نسبت به افراد دیگر فعالیت شدید انقلابی داشت و همین افراد بودند که طی جلسات مخفیانه تشکیل می‌شد شرکت می‌کردند و بقیه افراد صنف خود را آگاه می‌نمودند. در بین بازاریان

شهر اردبیل از جمله افراد فعال انقلابی، آقایان منصور منیری، حاج محمد ملکی، حاج جواد شهبازی، حاج داوود اجاقی و... بودند که به‌طور مداوم در جلساتی که آقای مروج و آقای مسائلی تشکیل می‌دادند شرکت می‌نمودند، و خود نیز جلساتی را در بین بازاریان تشکیل می‌دادند و کسبه را از رویدادهای اتفاق افتاده در کشور آگاه می‌ساختند کمک‌های مالی آنها را جمع‌آوری می‌نمودند؛ و با توصیه‌های روحانیون شهر در راه پیروزی انقلاب اسلامی مصرف می‌نمودند که از جمله آن تهیه نفت برای افراد بی‌بضاعت، خانواده‌های زندانیان انقلابی در روزهای سرد زمستان بود.^{۳۷}

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر در جهت پاسخ به سوال پژوهش که عبارت بود از این که شبکه‌هایی چون حوزه، دانشگاه و بازار چه نقشی در گسترش انقلاب اسلامی در شهر اردبیل داشتند؟ به بررسی نقش این سه پایگاه در گسترش عقاید انقلابی به شهر اردبیل پرداختیم و در ادامه به منظور ارزیابی فرضیه این مقاله در خصوص نقش برجسته روحانیون اردبیل در پیوند مردم شهر اردبیل با کانون‌های اصلی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی در این شهر به بررسی فعالیت روحانیون شهر اردبیل در طی روند انقلاب اسلامی پرداخته شد نتیجه‌ای که حاصل شد عبارت بود از این که در انتقال عقاید انقلابی به شهر اردبیل به عنوان مقصد پخش در تحقیق حاضر، انواع پخش که عبارت بودند از (پخش جابه‌جایی، پخش سرائتی، پخش سلسله مراتبی) تأثیر داشتند؛ و یکی از اولین عوامل انتقال عقاید انقلابی به شهر اردبیل، بازگشت شخصیت‌های بزرگ دینی چون آیت الله سید عبدالغنی اردبیلی، آیت الله میرزا محمد مسائلی، آیت الله بیوک خلیل زاده (ملقب به مروج)، آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی از اوایل دهه سی به بعد از قم به اردبیل به عنوان افرادی که سال‌های زیادی را در محضر امام خمینی (ره) شاگردی کرده بودند، بود. به طوریکه بعد از بازگشت طی جلساتی که با یکدیگر داشتند گروهی را شکل دادند که نقش مهمی در هدایت و رهبری نهضت در اردبیل ایفا کرد. اما همان گونه که در نظریه پخش، اشاره شد شیوه انتقال سلسله مراتبی، بهترین راه برای انتقال عقاید است. در مورد شهر اردبیل هم، این شیوه یعنی همان انتقال عقاید از طریق شبکه‌های بازار و دانشگاه‌ها و روحانیت، بهترین و مؤثرترین راه‌ها بود هرچند که دیگر انواع انتقال نیز بی‌تأثیر نبودند. اما نکته حائز اهمیت که در این باره مشاهده شد مقبولیت برجسته روحانیون شهر در انتقال عقاید انقلابی در بین مردم بوده است که آن هم به جهت موقعیت مذهبی شهر اردبیل در طول تاریخ و میانجیگری روحانیون شهر در رفتاری‌ها و مصائب شهر اردبیل در ادوار گذشته طبیعی به نظر می‌رسد، به‌طوریکه در

انقلاب اسلامی نیز همین عامل سبب شد تا مردم گوش به فرمان روحانیت به صحنه مبارزه علیه رژیم پهلوی کشیده شوند و همگام با دیگر اقشار انقلابی (دانشگاهی و بازاری) سبب گسترش عقاید انقلابی در شهر اردبیل باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- پی‌نوشت:
- ۱- برزگر، ابراهیم، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۸، سال ۱۳۸۲، صص ۴۳-۴۶.
 - ۲- همان، صص ۴۸-۴۷.
 - ۳- اصطخری، مسالک و ممالک، ترجمه ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، صص ۸۵۵.
 - ۴- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، تهران: انتشار آبیاری، بر اساس چاپ مسکو، ۱۳۸۰، صص ۱۰۱۷.
 - ۵- درویش توکل، ابن بزاز اردبیلی، صفوة الصفا، تصحیح غلام رضا طباطبائی، تهران: انتشارات زریاب، چاپ اول، ۱۳۷۶، صص ۱۲۵۵.
 - ۶- حمدالله، مستوفی، نزه القلوب، به اهتمام لسترنج، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲، صص ۸۱.
 - ۷- گای لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، صص ۱۸۱.
 - ۸- تربیت، محمد علی، به کوشش علیرضا طباطبائی، دانشمندان آذربایجان، جلد چهارم، تهران، سازمان چاپ انتشارات ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۸، صص ۲۱۴.
 - ۹- اعتماد السلطنه، مرآة البلدان، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، صص ۱۰۴.
 - ۱۰- سامی، شمس الدین، قاموس الاعلام ترکی، استانبول، جلد ۱، ۱۳۱۶، صص ۱۰۴.
 - ۱۱- دایره المعارف آذربایجان شوروی، جلد چهارم، باکو، ۱۹۷۶، صص ۲۱۴.
 - ۱۲- مینورسکی، مجله آسیایی، ۱۹۳۰، صص ۶۸.
 - ۱۳- دایره المعارف آذربایجان شوروی، جلد چهارم، باکو، ۱۹۷۶، صص ۲۱۴.
 - ۱۴- اوستا، به اهتمام دوستخواه، تهران، ۱۳۶۷، صص ۴۲.
 - ۱۵- دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی، جغرافیای استان اردبیل، تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۸۷، صص ۶۱-۶۰.
 - ۱۶- حمدالله، مستوفی، نزه القلوب، به اهتمام لسترنج، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲، صص ۹۲.
 - ۱۷- میر احمدی، مریم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۴، صص ۳۷، ۳۴، ۳۳.
 - ۱۸- دانشنامه ایران و اسلام، شماره ۱۱، انتشارات بی تا، ۱۳۵۴، صص ۱۴۸۳.
 - ۱۹- صفری، بابا، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۲، فصول ۳، ۴ و ۵ از گفتار پنجم.
 - ۲۰- نیکیبخت، رحیم، تحولات منطقه اردبیل (از مشروطه تا جنگ جهانی اول)، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶، صص ۱۹۵-۱۹۶.
 - ۲۱- دانشنامه ایران و اسلام، شماره ۱۱، انتشارات بی تا، ۱۳۵۴، صص ۱۴۸۴.
 - ۲۲- صفری، بابا، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد سوم، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۲، صص ۱۳.
- ۲۳- همان، صص ۱۰۱.
 - ۲۴- اردبیل و گنجینه شیخ صفی و عالمان اردبیل، قم: دفتر کنگره مقدس اردبیلی، ۱۳۷۵، صص ۹۴.
 - ۲۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فعالیت روحانیون، ش ب ۱۸۶، صص ۶۷-۶۸، روحانیون اردبیل.
 - ۲۶- نیکیبخت، رحیم، زندگی نامه و مبارزات آیت الله مروج (ره)، اردبیل: انتشارات نیک آموز، ۱۳۸۳، صص ۸۰-۷۹.
 - ۲۷- مصاحبه با حاج آقا لطیف نباتی در تاریخ ۸۷/۵/۱۰.
 - ۲۸- درازی، علی، زندگی و مبارزات شهید اصغر مرادی، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۳۵-۳۴.
 - ۲۹- مصاحبه با حاجت الاسلام آقای اسرافیل زینالی، در تاریخ ۸۸/۵/۱۶.
 - ۳۰- مصاحبه با حاج آقا لطیف نباتی در تاریخ ۸۸/۵/۱۰.
 - ۳۱- مصاحبه با آقای علی درازی در تاریخ ۸۸/۵/۷.
 - ۳۲- نیکیبخت، رحیم، زندگی نامه و مبارزات آیت الله مروج (ره)، اردبیل، انتشارات نیک آموز، ۱۳۸۳، صص ۱۰۰.
 - ۳۳- مصاحبه با آقای محمد ملکی در تاریخ ۸۸/۸/۱۲.
 - ۳۴- مصاحبه با آقای علی درازی، در تاریخ ۸۸/۶/۸.
 - ۳۵- نیکیبخت، رحیم، زندگی نامه و مبارزات آیت الله مروج (ره)، اردبیل: انتشارات نیک آموز، ۱۳۸۳، صص ۹۹.
 - ۳۶- مصاحبه با آقای زاکر حمیدی در تاریخ ۸۸/۵/۱۰.
 - ۳۷- مصاحبه با آقای لطیف نباتی در تاریخ ۸۸/۶/۱۲.